

چپاول علنی غارتگران در ادارات دولتی

(استاد صباح)



چرا طوفانی گشته ساحل ما ؟
گرفته باد وباران حاصل ما
نه دیروزونه امروزونه فردا
دیگریاوه مخوان تو بردل ما.

بیش از دوهه میگذرد، اما مردم هنوز هم در سایه تفنگ، فساد، استبداد و آدمکشی جنگسالاران بسر برده و زندگی برای مردم بی‌واسطه و فقیر شکنجه‌بار و دردناک است. فقط تفاوت آنان با یک دهه قبل اینست که ریش و یکول و بعضیاز کلمات مانند «دموکراسی»، «انتخابات» و غیره را نیز یاد گرفته اند و با آن بازی می‌کنند. قوماندانها و جنگ سالاران غارتگر و آدمکش که از راه رذالت و چپاول و فساد و قاچاق مواد مخدر به میلیونر ها مبدل شده اند،

دست پرورده های جرنیل های پلید پاکستانی با بیشرمی تمام از قاضی حسین احمد، یکی از خاینان به وطن و مردم ما تجلیل به عمل می‌آورند. اما از این اخوانی های میهن فروش نباید گله داشت، وابستگی به نیروهای خارجی و خودفروشی مشخصه عمده افکار ارتجاعی و ضدانسانی اینان را تشکیل می‌دهد .

داستان مزدوری و سرخمی تنظیم های هفتگانه جهادی مستقر در پشاور به دولت و استخبارات پاکستان، از حقایق تلخ و دردناک جنگ مقاومت ضد روسی مردم ماست . هفت تنظیم ساخت پاکستان و بخصوص چهار حزب بنیادگرای گلبدین، سیاف، ربانی و مولوی خالص در آغوش آی.اس.آی رشد نموده و با دالر امریکا به اژدهای خونخوار مبدل شدند. اینان عملا مبارزه آزادیخواهانه ملت ما را از پشت خنجر زدند و عامل سیهروزی های ملت ما اند .

پاکستان نه تنها به این تنظیم های جنایتکار و تاریک اندیش حزب و تشکیلات ساخت بلکه زمانی اینان را در دولت مسخره‌ای به نام «دولت عبوری» مجاهدین گردهم آورده بود .

در میزگرد های تلویزیونی، امروز تعدادی از این جهادی ها کاملا از گذشته ننگین شان انکار نموده به چشم مردم خاک می‌پاشند. تنها با مروری بر نشریات این احزاب، به روشنی می‌توان به میزان بی‌اراده بودن و نوکری رهبران تنظیم ها به دولت پاکستان پی‌برد و ماهیت خاینانه دیروزی شانرا که آینده‌دار امروز شان است بر ملا نمود .

طشت های رسوایی نوکری رهبران جهادی را دگروال یوسف آی.اس.آی. در کتابش «دام خرس: داستان ناگفته افغانستان» سالها قبل ازبام انداخته بود، اما درزیر دونمونه را از نشریه «مجاهد» ارگان نشراتی جمعیت نقل می‌کنم و قضاوت را به خوانندگان می‌گذارم :

مجاهد به تاریخ ۱۷ جنوری ۲۰۱۳ نوشت : سال ۱۹۷۹ میلادی برای مجاهدین با یک خبر عاجل آغاز شد. به رهبران تمام تنظیم های جهادی مستقر در پشاور خبر داده شد تا با اعضای شورای اجرائیه شان به کمپ جلوزو در پشاور حضور بهم رسانند. این گردهمایی توسط جنرال حمید گل رئیس اداره استخبارات نظامی اردوی پاکستان آی.اس.آی در روز اول جنوری که فقط شش هفته به خروج نیروهای روسی از افغانستان باقی مانده بود، فراخوانده شد. در این جلسه بر علاوه از رهبران هفت تنظیم، یکصد وچهل تن از اعضای شورای اجرائیه آن تنظیم ها، از هر تنظیم بیست نفر، شرکت کرده بودند .

حمید گل طی سخنانی با تندی بسیار، رهبران مجاهدین را به خاطر اختلافات شان، مورد انتقاد قرار داد و از اعضای اجرائیه تنظیم ها خواست که بیش از این در انتظار وحدت رهبران شان نمانند و در مدت سه روز طرحی برای آینده افغانستان ارائه داده و دولتی تشکیل دهند. قرار براین شد تا یک شورای ۴۲۰ نفری که از هر تنظیم ۶۰ نفر در آن شرکت داشته باشند، تشکیل گردد .

رهبران جهادی هرکدام در این جلسه صحبت مختصری داشتند. سخنان حمید گل انعکاس از آن داشت که حوصله پاکستان از اختلافات مجاهدین بسر آمده است. وی از عدم موجودیت یک طرح از طرف اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان برای آینده افغانستان اظهار نگرانی شدید نمود .

دولت عبوری مجاهدین تحت نظر حمیدگل ساخته شد که عملا آی.اس.آی. قیضه‌اش را در دست داشت تا به وسیله آن هست و بود افغانستان را نابود نموده از کشور ما یک ویرانکده بسازد. هفت رهبر جهادی حیثیت مهره های بی‌اراده در آن را داشتند. برای اینکه بدانید این به اصطلاح دولت تا چه حد رسوا و دست نشانده بود، به بخشی از مصاحبه با صبغت اله مجددی، رئیس وقت دولت عبوری که در نشریه «مجاهد» (بخش اروپایی، شماره چهارم، میزان ۱۳۶۹ - سپتامبر ۱۹۹۹ انتشار یافته است توجه کنید :

ما در این مرحله برای تشدید عملیات خود که باید به پیمانہ وسیع صورت بگیرد، به مشکلات روبرو هستیم .

برای اینکه اکثر چیزها بدست برادران پاکستانی ما است و تمام کمکها که می‌آید بدست آنها قرار می‌گیرد. من بحیث رئیس دولت اختیارات یک میل کلاشنیکوف را ندارم. اختیار پنج روپیه کلدار را ندارم که بیک قوماندان کمک کنم. وزارت دفاع ما هیچ کاری کرده نمیتواند تا وقتیکه خود برادران پاکستانی ما فیصله نکنند. ما از برادران پاکستانی خواهش کردیم که حالا حکومت است، وزارت دفاع است باید این چیز ها به وزارت دفاع سپرده شود و مطابق پلان وزارت دفاع باید کار شود .

مسئله دیگر اینکه کمکها روزبروز کم شده میرود، ممالک و کشورهاییکه کمک میکنند، میگویند ما تا حال فوق‌العاده کمک کردیم. برادران پاکستانی میگویند: نه، کمک نیست ما نمی‌فهمیم پیش ما حقیقت گم است .

تا جائیکه معلومات داریم دیپوها کاملاً از مهمات پر است، لکن آنها بما داده نمیشود. نظر من اینست که چون روسها رژیم کابل را ماهانه تا ۴۰۰ میلیون دالر کمک میکنند در حالیکه به ما سالانه ۳۰۰ میلیون دالر کمک نمیشود که اگر وضع به همین طور ادامه یابد ما نمیتوانیم در ده سال یک شهر را بگیریم .

و اعتراف قاضی امین «وقاد» از گردانندگان حزب گلبدین که در همین شماره «مجاهد» انتشار یافته است: مناسفانه ... وجود حکومت موقت و نام نهاد فعلی مایه یاس و ناامیدی مردم ما گردیده بخاطریکه حکومت عبوری موجوده بی‌حیثیت ترین حکومت در جهان معاصر است که از حمایت و پشتیبانی ملت مسلمان و مجاهد افغانستان بهره نداشته و حیثیت و اعتبار سیاسی و بین‌المللی را از دست داده فاقد هر نوع ابتکار عمل در میادین سیاسی و نظامی می‌باشد ... با توجه به اینکه این تنظیم ها و رهبران شان از ابتدا به چاکری و وابستگی به یک نیروی بیرونی عادت کرده اند، امروز هم هر کدام خود را به این و آن کشور فروخته و بدون حضور نظامی امریکا و مداخله پاکستان و ایران، ادامه حاکمیت شانرا ناممکن می‌دانند .

در این طرح معاشات ماهانه چنین در نظر گرفته شده است :

برای رییس جمهور ۴۸۷ هزار افغانی

برای معاونان ریاست جمهوری ۲۷۶ هزار افغانی

برای وزیر، مشاور، امنیت ملی و لوی سارنوال ۱۹۵ هزار افغانی

برای روسای نهادهای مستقل از ۱۶۲ هزار تا ۱۳۰ هزار افغانی

برای معینان وزارت‌ها ۱۲۶ هزار افغانی

برای وزیر مشاوران ۱۳۰ هزار افغانی

برای روسای شورای ملی ۲۲۷ هزار

برای معاونان شورای ملی ۱۶۲ هزار افغانی

برای منشی ها ۱۵۶ هزار افغانی

برای سایر اعضای شورای ملی ۱۵۱ هزار افغانی

برای رییس ستره محکمه ۲۲۷ هزار افغانی

برای سایر اعضای ستره محکمه ۱۹۵ هزار افغانی

برای والی ولایت های درجه اول ۹۷۵۰۰ افغانی

برای والی ولایت های درجه دوم ۸۱۰۰۰ افغانی

برای والی ولایت های درجه سوم ۶۵۰۰۰ افغانی

در این طرح برای رییس جمهور حدود ده هزار دالر، معاونانش هر یک حدود پنج هزار دالر، رئیس و دیگر اعضای ستره محکمه هر کدام حدود چهار هزار دالر معاش پس از پایان دوره کاری شان نیز مشخص شده است. در کنار معاش، برای تمامی اینان خانه، امنیت، خدمات صحی، موتر و پاسپورت سیاسی به صورت مادام‌العمر در نظر گرفته شده است . گل رحمان قاضی، رییس کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی در دفاع از این کیسه‌بری نوین مقامات از جیب ملت می‌گوید «تضمین آینده مقام ها، برای آرامش فکری آنها و برای جلوگیری از فساد اداری داشتن همچنین تضمینی

ضروریست «. اما او به این حقیقت چشم می‌پوشد که این مقامات غرق در فساد هرکدام میلیونها دالر در دوران حاکمیت خود از راه نامشروع به جیب زده اند و آینده شان از نظر اقتصادی کاملا تضمین است. اما از چیزی که اینان تضمین ندارند و هراس اند، تنفر و دادخواهی ملت است که شما با دادن پاسپورت سیاسی بعد از خدمت به اینان زمینه فرار از محاکمه را مهیا می‌کنید تا با خاطر آرام همانند صدیق چکری، قدیر فطرت، نادر آتش، زلمی حقانی و به زیر بال بداران خارجی شان بروند و با دالر های بادآورده در اثر خیانت به ملت عیاشی کنند .

زمانیکه طرح تازه حکومت روی میز اعضای ولسی جرگه قرار گرفت، طبق معمول اکثریت اعضا قبل از آنکه به فکر رد و یا تصویب این طرح شوند زمینه را برای افزایش امتیازات خود مساعد دیده یک بار دیگر چانه زنی برای معاشات خود را آغاز نمودند .

مارهای خفته در آستین مردم گاهی خود بخشی می‌کنند و با تصویب قانون جنایت های خود را می‌بخشند و گاهی هم برای آسودگی خود پاسپورت سیاسی می‌گیرند و نمبر پلیت های "و-ج" و "م-ج" نصب می‌کنند. پاسپورت سیاسی برای کار و بار قاچاق هیرویین در خارج و نمبر پلیت های ویژه برای خود کامگی ها در داخل . معاشات دالری بلند، موتر های ضد گلوله، منازل و قصر های میلیون دالری، سفر های تفریحی به دوی و پاریس و لندن و واشنگتن و دهها امتیاز دیگر همه برای رفاه وزرا و وکلا و روسای است که تکیه بر کرسی های بلند دولتی زده اند .

افزایش چهل درصدی حقوق اعضای پارلمان در افغانستان :

چندی قبل کمیسیون امتیازات و مصونیت ولسی جرگه فیصله کرد که باید امتیازات اعضای مجلس افزایش یابد. بر اساس این فیصله: شصت و هفت هزار و پنجصد افغانی تنها خرج دسترخوان هر عضو مجلس در نظر گرفته شده است .

سی هزار افغانی کرایه منزل

دوازده هزار افغانی برای روغنیات موتر

هفت هزار افغانی برای مصرف تلفن

هم اکنون یک عضو پارلمان ماهوار یکصدو سی هزار افغانی معاش دریافت می‌کند که با افزایش چهل درصدی آن به درخواست کمیسیون امتیازات و مصونیت ولسی جرگه این رقم می‌شود یکصد و نود دو هزار افغانی .

کابینه و پارلمان در یازدهمین سال حکومت مافیایی کرزلی پا لچ کرده اند تا آخرین شانزده پولی دخل دولت را به جیب زنند. در حالیکه مردم حتی مجبور شده اند تا کودکان دلبنده خود را به فروش برسانند تا از گرسنگی نمیرند .

همه روز ه بر آمار شش میلیون بیکار که همین حکومت جنایت پرور آنرا ارایه کرده افزوده می شود. عاید روزانه چهارده میلیون افغان تنها صد افغانی یا معادل آن (دو دالر) است .

سه صد هزار کارمند رسمی دولت از چهار تا هجده هزار افغانی ماهوار معاش دریافت می‌کنند، معاشی که بخور نمیر است و حتی کرایه یک ماهه خانه هم نمی‌شود .

قیمت گاز، تیل، آرد و روغن به طور سرسام آور افزایش یافته و مردم دیگر توان خرید را از دست داده اند .

بازسازی و توسعه کشور چه شد؟؟؟



آیا کمک های جامعه جهانی در افغانستان به گونه درست ان به مصرف رسیده است یا خیر؟

شماری براین باورند که بیشتر کمک های جامعه جهانی حیف و میل شده اند و بگونه ای که انتظار آن می رفت این کمکها در بازسازی مؤثر نبوده اند. نبود ظرفیت در نهادهای دولتی، فساد اداری، عدم هماهنگی میان دولت و کشور های کمک کننده در عملی شدن پروژه ها و چندین دست شدن قراردادها از علت های عمده ای هستند که سبب شده است بخش زیادی از کمکهای جامعه جهانی حیف و میل شوند.

افغانستان به دلیل چند دهه جنگ داخلی دچار توقف در همه بخش های توسعه شده است. اما اکنون بستر تدوین برنامه های بلند مدت و کوتاه مدت توسعه در افغانستان فراهم شده است. امروزه علاوه بر مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و فقر باید به رشد و توسعه فرهنگ، اقتصاد و سیاست نیز توجه جدی شود. توسعه فضاهای آموزشی، فراهم کردن بسترهای مناسب تحصیل رایگان و امکانات مطلوب آموزشی از مولفه های رشد فرهنگی و توسعه تعلیم و تربیه در افغانستان است. در عرصه اقتصاد نیز توسعه سرمایه گذاری خارجی و تقویت بخش های تولیدی باید بیش از گذشته مورد توجه واقع شود. به نظر می رسد تقویت ساختارها و نهادهای حاکمیت به منظور حاکم شدن مردم افغانستان بر سر نوشت خویش نیز در چارچوب توسعه سیاسی مفهوم می یابد.

به نظر میرسد، توسعه همه جانبه و متوازن در افغانستان به دلیل محدودیت امکانات داخلی نیازمند همکاری جامعه جهانی است. باید توجه داشت که سازمان ملل که موضوع توسعه را در دستور کار خود قرار داده باید برنامه های ویژه ای را در این زمینه برای افغانستان تدوین کند. به اعتقاد ناظران سیاسی کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل مطابق با وظایف و تکالیف خویش باید منابع مالی بیشتری برای رشد و توسعه در افغانستان اختصاص دهد. بی تردید تنها بیان مشکلات و ناهنجاری های موجود در افغانستان از وظایف سازمان ملل و نهادهای وابسته نیست. فراموش شدن موضوع بازسازی و توسعه افغانستان از سوی ناتو و آمریکا، با انتقاد سازمان ملل متحد مواجه شده است.

"جان ماری کوهینو" رئیس صلح بانان سازمان ملل از ناتو خواست به کار توسعه افغانستان بیشتر توجه کند. وی با اشاره به ضرورت تامین امنیت در افغانستان، حرکت در مسیر توسعه را برای کشور حیاتی دانست. کوهینو همچنین خاطر نشان کرد که سازمان ملل به نیروهای خارجی در خصوص احترام به فرهنگ و مردم افغانستان، تذکر داده است. نیروهای ناتو که باشعار کمک به بازسازی و اردافغانستان شده اند در طول سالهای اخیر، عملکرد مطلوبی نداشته اند. آمارها نشان می دهد که با گذشت سالها از حضور نیروهای خارجی خصوصاً ناتو، روند بازسازی در افغانستان بسیار کند بوده است. باید

توجه داشت که اصلی ترین پیش شرط توسعه ، وجود امنیت است که افغانستان به دلیل سیاستهای امریکا و ناتو از آن بی بهره است. در شرایطی که افغانستان با معضلات بسیاری همچون تروریسم ، فقر و مواد مخدر روبرو است ، امریکا و ناتو تمایل چندانی برای رفع مشکلات مردم راندارند .

سیاست های دو گانه امریکا و ناتو در خصوص طالبان باعث شده است فعالیتهای تروریستی در افغانستان همچنان ادامه یابد . برخی محافل سیاسی معتقدند که امریکا و ناتو به صورت غیر آشکار با برخی رهبران طالبان ارتباط نزدیک دارند . از سوی دیگر باید توجه داشت که از بین رفتن کامل طالبان ، توجیهی برای تداوم حضور خارجی ها باقی نمی گذارد . بنابراین به نظر می رسد که امریکائو ناتو برای استمرار حضور خود در افغانستان نیازمند سطح کنترل شده ای از خشونتها و درگیری ها هستند. همچنین وجود طالبان ، اهرم فشار امریکا بردولت در جهت تبعیت از سیاست های دولت امریکا محسوب می شود.

موضوع افزایش کشت خشکاش و تولید مواد مخدر نیز از معضلاتی است که جامعه افغانستان برای رهایی از آن نیازمند کمک جامعه جهانی است . در حالی که معیشت بیش از دومیلیون دهقان به کشت خشکاش گره خورده است ، ارائه کشت جایگزین و ایجاد منابع جدید درآمدی به تنهایی در توانایی دولت نیست و جامعه جهانی باید در این زمینه فعال شود. در خصوص موضوع توسعه نیز روند کند بازسازی باعث شده است همچنان فقر بر سر مردم کشور سایه بیافکند ، برخی گزارشها نشان می دهد که تنها بخشی از کمکهای بین المللی به موضوع بازسازی اختصاص یافته است و بخش زیادی از این کمکها صرف هزینه حضور موسسات خارجی در افغانستان می شود .

در اجلاس ناتو در سویل اسپانیا ، تاکید برخی کشورهای بزرگ اروپایی بر رویکردهای غیر نظامی و تمرکز بر مقوله آموزش و تجهیز اردو و پولیس ملی نشان دهنده اختلافات در درون ناتو بود . اگرچه تاکید رئیس صلح بانان سازمان ملل بر توجه بیشتر ناتو به امور توسعه نشان می دهد که عالی ترین نهاد بین المللی نیز از عملکرد ناتو در زمینه بازسازی انتقاد دارد اما بی توجهی سازمان ملل به توسعه افغانستان نیز جای پرسشهای بسیاری دارد. به اعتقاد کارشناسان، افزایش سطح رفاه عمومی و تسریع در بازسازی ، به کاهش خشونت و ناامنی در افغانستان منجر می شود.

اما سؤال اینجاست که آیا کمک های جامعه جهانی در افغانستان به گونه درست ان به مصرف رسیده است یا خیر؟ شماری از کارشناسان بر این باورند که بیشتر کمک های جامعه جهانی حیف و میل شده اند و بگونه ای که انتظار آن می رفت این کمکها در بازسازی کشور مؤثر نبوده اند.

نبود ظرفیت در نهاد های دولتی، فساد اداری، عدم هماهنگی میان دولت افغانستان و کشورهای کمک کننده در عملی شدن پروژه ها و چندین دست شدن قراردادها از علت های عمده ای هستند که سبب شده است بخش زیادی از کمکهای جامعه جهانی حیف و میل شوند. شماری از کارشناسان اقتصاد و مسؤلان اتاق تجارت و صنایع بر این باورند که بیشتر کمکهای جامعه جهانی از طریق اینجوها در بخش های زیر بناها، ساختمان سازی ، جاده سازی و دیگر پروژه ها مصرف شده اند. هشتاد درصد کمکها بر زندگی و اقتصاد مردم عادی اثری نداشته است و نهاد های کمک کننده بیشتر پروژه ها و بویژه پروژه های بزرگ را با شرکتهای خارجی قرارداد کرده اند که در نتیجه چندین دست شدن قراردادها تنها سی تا پنجاه درصد پول در این پروژه ها مصرف شده اند و از پنجاه تا هفتاد درصد پول بدون این که به افغانستان بیایند به دست خارجی ها می

رسند. اکنون با استفاده از کمک های جامعه جهانی بیش از چهار هزار کیلومتر جاده قیرریزی شده است و بیش از سی پنج درصد مردم از انرژی برق بهره مند شده اند، اما انتظاری رفت بیشتر از این پروژه ها عملی شوند.